

## تسخیر دانشگاه‌های امریکا در دفاع از مردم فلسطین

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) - صفحه ۲۴

### اوضاع انگلستان پس از انتخابات محلی

امان کفا

بدنبال انتخابات شهرداری ها و شوراهای شهری در انگلستان در هفته گذشته، حزب محافظه کار، بخش وسیعی از نمایندگان خود را از دست داد. کسی یار ستارمر، رهبر حزب لیبر، با استناد به میزان شکست حزب محافظه کار در انتخابات محلی، ادعا کرد که نتایج این انتخابات نشان از پیروزی حزب لیبر و روی آوری مردم به این حزب است! علیرغم اینکه نتیجه انتخابات محلی را نمی توان به معنای میزان رای در انتخابات برای کرسی های پارلمان و تعیین دولت دانست، اما شکی نیست که این درجه از کاهش حضور حزب محافظه کار در شهرداری ها، موقعیت این حزب را در کسب دولت آتی دوردست تر می کند. بهرحال، این نتایج از قبل هم معلوم بود. سیزده سال حکومت حزب محافظه کار، پس از چندین کودتای درونی این حزب در پارلمان، پس از معلوم شدن پوچی وعده های برگزیت و ادامه ریاضت اقتصادی و غیره، در پرتو اعتراضات وسیع و اعتصابات گوناگون در بخش های متفاوت، آموزش و پرورش، بهداشت، صنایع و ... صفحه ۳

### یاد حسین مرادبیگی گرامی باد!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

### حملة اسرائیل به رفح!

### آخرین میخ بر تابوت صهیونیسم و

### شرکای جهانی آن

بیانیه شماره ۶ سه حزب کمونیست - کارگری در منطقه

امروز، ۷ مه، در فضایی مملو از هراس و ترس از گسترش عملیات نظامی ارتش اسرائیل علیه مردم غزه و ترس از حمله به رفح این آخرین «پناهگاه» باقی مانده که بیش از یک و نیم میلیون نفر از مردم غزه، پس از جابجایی های اجباری متعدد و فرار از بمباران و کشتار همه جانبه توسط قصابان حاکم بر اسرائیل، در آنجا پناه گرفته اند، بار دیگر دولت نظامی اسرائیل، در بی اعتنائی کامل به فشار و خواست جهانیان، به رفح حمله کرد. ... صفحه ۴

### بساط مصوبه تان را جمع

کنید!

مصطفی اسدیپور - صفحه ۲۴

## خانه کارگر شل یا سفت، تکلیف چیست؟

مصطفی اسدیپور

مراسم اول مه توسط خانه کارگر خبر مهم فضای سیاسی ایران بود. این مراسم سوت و کور، کم رونق، در جوار عمارت خانه کارگر در خیابان ابوریحان تهران، از انظار عمومی پنهان ماند. عمدا و مطابق نقشه قبلی هر گونه تجمع و هر گونه سوء تفاهم مربوط به راه پیمایی و از آن قبیل از دستور خارج شده بود. بنا بر آگهی، روز قبلتر حضور و نماز جماعت در چهاران؛ و روز بعد، روز کارگر؛ دعوت به اجلاس گلایه های خیراندیشانه، دعای «بر ما مکن جفا» و صرف چای قند پهلوی در میهمانی خانه کارگر... چیزی شبیه این!

درست در هنگامه بحث داغ «سه جانبه گری در تعیین دستمزدها» و چندین ماه بزن و بکوب مغلوبه در حاشیه مصوبه ۱۴۰۳ اشتباه است اگر مراسم خانه کارگر و دست و پاچگی آشکار آنرا در نمایش روز کارگر دست کم گرفت. تعداد محدود صدلی و مدعوین، در یک خیابان تنگ و بن بست، بلندگوهای زپرتی، شعارهای آبکی، باندرولهای غیر تحریک آمیز... همه چیز شاخص گویای قدرت نمایی خانه کارگر بود: قدرت در به دور نگه داشتن توده کارگر از اعتراض و حق طلبی! این دقیقا همان چیزی است که خانه کارگر سر «گذر کارگری» به زورگیری مشغول است. میشود پرسید کدام نمایندگی؟ نمایندگی کدام کارگر؟ بالاخره روزی کسی باید باند مافیایی خانه کارگر را از جنت مکان خودساخته به پایین بکشد و در مقابل سالها کارکرد مخرب آن جوابگو کند. ... صفحه ۲

## بساط مصوبه تان را جمع کنید!

مصطفی اسدیپور



وزیر کار چه میگوید؟

«حداقل حقوق و دستمزد کارگران در شورای عالی کار به تصویب رسیده است و در این رابطه تغییر جدیدی نداریم.» اظهارات صولت مرتضوی، وزیر کار در صفحه اول روزنامه ها جا گرفت.

آقای وزیر بی جهت خود را پشت «تصویب شورای عالی کار» پنهان میکنند. نه هیچ مصوبه و نه هیچ شورای عالی کار نمیتواند چهل میلیون عضو خانواده کارگری را به دور جدید حقارت و بهره کشی و تباهی وادار کند. وسوسه و سودای تولید و سود حاصله از میلیونها کارگر در چهارچوب دستمزدهای مقرر در شورای عالی کار آرامش را بر دولت و طبقه حاکم حرام کرده است. دستمزدها چیزی جز توحش تمام عیار از کار و استثمار برای صغیر و کبیر خانواده کارگری را به همراه ندارد. وزیر مربوطه خوب میداند که در مقابل تورم و گرانی ارزش واقعی این پول سیاه همین امروز حتی به پای تامین نان نمیرسد. همه میدانند که توهم و امید به این دستمزدها به معنای اشتغال و یک زندگی فقیرانه تر، بیهوده و مهلک است. هر چه قانع باشیم به معنای کار سخت تر و دستمزد هر چه کمتر، و به معنای آن است که بهم تنه بزنیم و نان را از دست کارگر دیگری بقاییم.

بساط مصوبه دستمزدها را باید بهم ریخت. نمایش مسخره بده و بستان با همپالکی های ضد کارگر از هیچ اعتباری برخوردار نیست. همانگونه که دادگاه ها، یورش به صفوف اعتصابیون، شلاق و زندانها جلودار حق طلبی کارگران نبوده است. نمایندگان ما در جلسات آزادانه کارگران در کارخانه و محلات اند، و شرایط و خواسته های ما برخوردار از همه امکاناتی است که با دستهای ما هر روز ساخته

میشود؛ و دستمزدهای مورد قبول ما آن دستمزدی است که صفوف کارگران را - همه کارگران، شاغل و بیکار، زن و مرد - از مصائب و توطئه های سرمایه، از فقر و بیکاری و فرسودگی و بیماری محافظت کند.

زنده باد دستمزدها!

خرده فرمایش وزیر کار بی جا است. دستمزد کارگران دور تازه ای را از سر میگیرد. سایه دستمزدهای ساخته و پرداخته دولت و سرمایه داران باید با مقاومت فعال روبرو شود. متحد شویم، نمایندگان خود را آزادانه انتخاب کنیم، آنها را در حلقه حمایت خود بگیریم، بشناسانیم، جسورانه و قاطع از زبان منافع و اهداف طولانی و پیشرو کل جامعه را خطاب قرار دهیم ... دستمزدها برای بورژوازی ایران حربه مرگ و زندگی برای تسلیم کارگران است. دستمزدها میتواند، در جواب سر پل اتحاد و شالوده سازمان سراسری طبقه کارگر باشد که حقانیت بی شمار اعتصاب و مبارزه جویی خاموش نشدنی طبقه را متحقق سازد. اعتصاب و اعتصابیون این مسیر بوفور در دسترس هستند.

## کارگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و  
تشکل حزب شما است.

حزب را از آن خود کنید!

این دمل چرکین از خون دل و رنج و بی حقوقی کارگران مکنث و قدرت بهم زده است.

بی خود میگویند، منت شان بر سر ما کارگران هزار بار بیجاست. دستمزدها کمتر از این نمیتوانست باشد، بی حقوق تر از این نمیتوانستیم از کودکی تا بازنشستگی در لابلای جهنم بهره کشی خود و خانواده را يدک بکشیم، قانون کار بدتر از این که هست هیچ جا و هرگز تجربه نشده است. چسی هنر «چانه زنی» را دور بریزیم، یکبار برای همیشه خود را خلاص کنیم و نمایندگی کارگری را با همان احترام و هیبت که شایسته آن است جایگزین سازیم. خانه کارگر شل یا سفت نمیخواهیم. ما کار میکنیم و نمایندگی مستقیم خود بر سر دستمزدها را سازمان میدهیم. سازمان و نمایندگی کارگری در ایران وجود دارد، هست، در کارخانه ها، در محلات، در زندانها، در میان زنان و مردان شاغل و بیکار، باید آنرا به رسمیت بشناسیم و به آن اعتبار ببخشیم. باید حرف و توقع را یکی کنیم، پشت نمایندگان بایستیم، اعتصاب ابزار ما است. همبستگی و منافع مشترک طبقاتی قطب ما و مرامنامه سازمان سراسری نوین کارگری را میسازد.

منافع و مصالح کارگران در دعوا و تصفیه حساب میان وزارت کار با دلالان خانه کارگر جایی ندارد. اما خانه کارگر و شورای عالی کار مستقیماً به کارگران، همه کارگران و همه مراکز تولید مربوط است. بالایی ها و بیلون میزنند، کسی میداند خود کارگران چه میگویند؟ چه میخواهند، نقشه شان چیست و سر از کجا در میاورند؟ وقت آنست که از موی دماغ خانه کارگر خلاص شد.

خانه کارگر...

خنده دار است، ایراد باید در زبان فارسی باشد، ده ها سال آژگار است که هر چه دستمزدها نازل تر، حقوق و حرمت کارگر جامعه هر چه بیشتر سقوط میکند، هر چه تعداد کارگران مبارز و رهبران اعتصابها و تشکل های آنها در سیاه چالها سر اسارت و سیه روزی در میاورند... این خانه کارگر کدام جهنم دره ای است که هر چه بیشتر گردن کلفت میکند، زبانش روی کارگر جامعه دراز تر است، دو قورت و نیم باقی دارد! هر چقدر دیوار کارگر کوتاه باشد، شکسته نفسی خانه کارگر جایی ندارد که افتخارات خود در خدمت ننگین ترین بساط استثمار و بهره کشی دو نسل از طبقه کارگر را بر پیشانی پیش کسوتان حمل میکند و به روی خود میاورد! زمانی دکان و خیمه و خر گاه شوراهای اسلامی پهن بود، حال لولهنگ خدماتشان در شورای عالی کار چنگی به دل اربابان نمیزند. به جهنم! آنچه مهم است، خانه کارگر نباید اجازه پیدا کند مصوب ننگین دستمزدهای ۱۴۰۳ را در سابقه خوش خدمتی های خود در پیشگاه حکومت سرمایه بجا بگذارد.

عزاداری برای خانه کارگر امر کارگران نیست. نمایش یواشکی هفته کارشان میتواند پایان کار آنها باشد. «تولد» خانه کارگر، شورای عالی کار و تحمیل زورکی آنها را کمتر کسی به خاطر میاورد. سالها مصاف در هزاران مرکز کارگری که در آن توقع و مقاومت و حق طلبی با تسلیم و سرخوردگی جایگزین گردید در ذهن و خاطره و زخم های بیکر آن طبقه گم ماند، اما خلاصی از این نکبت نباید سخت باشد.

## یاد حسین مرادبیگی گرامی باد!

با تاسف فراوان مطلع شدیم رفیق حسین مرادبیگی (حمه سور) از چهره‌های شناخته شده و محبوب چندین دهه مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه مردم ایران، با گذشت بیش از یک دهه دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان، نیمه شب دیروز، شنبه چهارم ماه مه، در شهر استکهلم چشم از جهان فرو بست.

بیش از پنجاه سال مبارزه پیگیر علیه دو حکومت مستبد پهلوی و جمهوری اسلامی، پنج دهه مبارزه در بالاترین سطوح در تاسیس و رهبری کومله، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری و حزب حکمتیست، نقش وی در جدال‌های مردم آزادیخواه، از جنگ مسلحانه و سازمان دادن آن تا اعتراضات وسیع توده‌ای در کردستان

برای آزادی و برابری، همه سور را به شخصیتی شناخته شده، محبوب و معتبر نه فقط در میان نیروهای سیاسی که در میان مردم در کردستان تبدیل کرد.

از دست دادن همه سور برای ما، که در دوره‌ها و در سنگرهای مختلف هم‌رزم وی بودیم، برای خانواده و بستگانش، برای رفقا و هم‌سنگران و برای مردم آزادیخواه که او را از نزدیک می‌شناختند، مایه تأثر عمیق است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) درگذشت رفیق حسین مرادبیگی را به خانواده و بستگانش، به رفقا و هم‌سنگران وی و به مردم کردستان صمیمانه تسلیت می‌گوید.

یاد حسین مرادبیگی (حمه سور) گرامی باد!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۵ مه ۲۰۲۴

### اوضاع انگلستان...

همگی نشان از نیاز بورژوازی در این کشور به پایان دادن دوره حکومت حزب محافظه کار، و روی کار آوردن حزب رقیب، یعنی لیبر، با همان سیاست‌ها ولی در قالبی دیگر را نشان داده و می‌دهد. این نه اولین بار و نه آخرین باری است که دست بدست کردن قدرت از یک دولت به دولتی دیگر در سیستم پارلمانی تکرار می‌شود.

اما، آنچه این دوره را با گذشته متفاوت می‌کند، اوضاع جدیدی است که پس از اکتبر سال گذشته، نه تنها در بریتانیا، بلکه کل غرب را در شرایط دیگری قرار داده است. در این دوره، مسئله اصلی که عموم سیاستمداران و تحلیلگران در لابلای تفسیرهایشان به آن اذعان داشتند، تغییری است که در سطح اجتماعی، در قبال نسل کشی اسرائیل و بی حقوقی مردم فلسطین در همه جا شاهد آن هستیم. اینبار، دولت در سایه لیبر، تحت رهبری کی یو ستارم، فردی که خود با اتکا به لابی‌گری‌ها و توسل به امکانات صهیونیست‌ها، به رهبری این حزب رسیده بود، بدون هیچ کم و کاستی، قدم به قدم در کنار و همراه دولت محافظه کار، به پشتیبانی از این نسل کشی اسرائیل پرداخته است. به همین اعتبار، اینبار نه شکست قابل پیش بینی حزب محافظه کار، بلکه معیار اصلی در سنجش توان حزب لیبر در جمع کردن و سیاه لشکر کردن مردمی بود که انزجار خود را از تمامی سیاستمداران چه در حکومت و چه در دولت سایه ابراز کرده بوده و می‌کنند.

از این منظر، آمار شرکت کنندگان و رای‌های داده شده، نشانگر اوضاع دیگری است. حتی مفسرین و کارشناسان انتخاباتی اذعان دارند که نتایج این انتخابات‌ها نه حاکی از یک «پیروزی» و پیشروی برای حزب لیبر، بلکه تنها نشانگر خواست عمومی در ندادن رای به حزب حاکم محافظه کار در این انتخابات بوده است. در چندین استان و مرکز رای، نمایندگان غیر حزبی و مستقل انتخاب شدند. رسانه‌های رسمی تلاش زیادی کردند تا چنین واژه‌ها را بکنند که این رای‌دهی مربوط به «مسلمانان» و یا مراکزی است که تعداد «مسلمان» در آنها زیاد است! گویا، اعتراضات جاری و چندین ماهه اخیر نه با

حضور و اعتراض بشریت متمدن، بلکه مختص به «مسلمانان» است و آنهم لابد چون با «یهودیت» مخالف هستند!

این درجه بی حرمتی به مردم در این کشور، به مردمی که از سنین مختلف از شاگرد مدرسه‌ها تا بازنشستگان، از دانشگاه‌ها تا باراندازها، در محل کار و محلات خود، همبستگی خود را با مردم فلسطین و علیه آپارتاید اسرائیل در این چند ماهه نشان داده اند، را می‌توانند با این اراجیف سانسور کنند. بی جهت نیست که مسئول تبلیغاتی و کمپین انتخاباتی لیبر هم مجبور شد به «شکافی که در جامعه حول غزه» ایجاد شده، اذغان کند. شکافی که بر خلاف تبلیغات دائم و گوش‌خراش میدیای رسمی، محدودیتی برای عمیق تر شدن خود و کنار زدن مرزهای سنتی احزاب پارلمانی را به رسمیت نمی‌شناسد. اینبار، انتخاب نمایندگان متعددی که مشخصا با شعارهای علیه جنایات اسرائیل و در همبستگی با مردم فلسطین انتخاب شدند، گواهی بر همین امر است.

آنچه در این میان در کل این جامعه به وضوح می‌توان دید، نیروی عظیمی است که در مقابل هرگونه تحدید اعتراض به نسل کشی اسرائیل تا بحال ایستاده است. این نیروی است که علیرغم قوانین و پلیس و تبلیغات روزمره، حاضر نیست که مهر و انگ اتهاماتی چون «یهود ستیزی» و «طرفداری از حماس» را بپذیرد. فراتر اینکه، با گسترش اعتراضات خود، همچنان بر بی اعتباری روز افزون کل سیاستمداران و احزاب سنتی پارلمانی افزوده است. این جنبش عمومی، تا همینجا توانسته است صدای خود را در هر شهر و محله، در گوشه و کنار کشور به گوش همه برساند. پیشروی آن، اما، تنها با حضور طبقه ای تضمین می‌شود که قادر است عقب نشینی را به کل بورژوازی حاکم، مستقل از احزاب پارلمانی اش تحمیل کند. سراسری کردن اقدامات تا کنونی که توسط فعالین و کمونیست‌های این طبقه جاری است، مهم ترین و کوتاه ترین راه برای پایان دادن به سیاست‌های دولت بریتانیا و دولت سایه آن در حال حاضر است. راهی که در عین حال، می‌تواند نه تنها پایانی برای این سیستم بی اعتبار انتخاباتی و پارلمانی، بلکه امکان انتخاب واقعی مردم، انتخاب نمایندگانی که پاسخگو و در هر لحظه که اکثریت رای دهندگان بخواهند، قابل عزل باشند، را تسهیل و ممکن کند.

ما می‌خواهیم به تبعیض و ستم جنسی و قوانین و آیین پشت آن خاتمه داده شود. ما خواهان جامعه ای برابر و آزاد هستیم که برابری زن و مرد بطور قطع تامین و تضمین شود. بیگمان چنین جامعه ای مستلزم هشیاری و دخالت زنان و مردان کارگر و زحمتکش و طبقات پایین جامعه است. خاتمه دادن به ستم طبقاتی و تبعیض و تجاوز به حقوق زنان به سازمان‌های طبقاتی و اجتماعی توده ای نیاز دارد.

## رهایی زن‌رهای جامعه

قرار بود پس از پایان جنگ سرد، جهانیان را با «اقتصاد بازار آزاد» تماما «آزاد» کنند!

خروج از این بن بست، حتی با قتل عام کامل میلیونها نفر از مردم بیگناه فلسطین و راه اندازی جویبارهای خون بیشتر به سادگی ممکن نیست! حمله اسرائیل به رفح، قمار باخت - باخت، برای همگی شان است. این توحش نمایش چهره واقعی بورژوازی جهانی، نمایش چهره واقعی بورژوازی غرب و «دمکراسی» غربی و دامنه حق و حقوق انسان در آن است. نمایشی که بیان فروریزی پایه های نظم جهانی به رهبری آمریکا، فروریزی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی آن است.

حمله به رفح، اما باید آخرین شانس قمار این فاشیسم شکست خورده باشد! نباید اجازه داد که بیش از این از مردم فلسطین در نوار غزه بابت شکست تاریخی شان، قربانی بگیرند! باید حمله به رفح، آخرین میخ بر تابوت صهیونیسم و فاشیسم نژاد پرست یهودی و حامیان جهانی آن باشد!

کوبیدن این میخ اما کار طبقه کارگر جهانی، کارهمن بشریت متمدنی است که تا امروز این دولت عزیز کرده میلیتاریسم غرب، این هارترین و درنده ترین، این مسلح ترین و مجهز ترین نیروی نظامی و مالی و سیاسی بورژوازی غرب، را در خود غرب به زانو در آورده است! کار بشریت متمدنی است که از خاورمیانه تا آمریکا و آسیا و آفریقا، بیش از این فقر و فلاکت و نژاد پرستی و دولت های نظامی و میلیتاریستی، مذهبی و ارتجاع یهودی و مسیحی و اسلامی و بهره کشی از انسان کار کن را نمی خواهد.

ما سه حزب کمونیست کارگری در منطقه، خود را بخشی از نیروی آن بشریتی میدانیم که در میدان است و برای پایان دادن به این منجلا ب، به نیروی خود، اقدام میکنند. ما طبقه کارگر و بشریت متمدن، اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، همه نهادها و نیروهای انسان دوست و آزادیخواه در سراسر جهان و در خاورمیانه را به مقابله با این توحش فرا میخوانیم. نباید گذاشت حاکمین دست به ماشه حاکم بر اسرائیل و حامیان جهانی و منطقه ای آنها به راحتی یک قتل عام عمومی را بی مانع انجام دهند. باید از کرده و اعمال جنایتکارانه شان پشیمانشان کرد، باید علیه آنها در سراسر جهان خروشید.

حزب کمونیست کارگری عراق  
حزب کمونیست کارگری کردستان  
حزب حکمتیست (خط رسمی)

هفتم مه ۲۰۲۴

## کارگران!

**کمونیسم ابزار مبارزه شماست!**

**کمونیسم را ابزار مبارزه خود کنید!**

فشار جنبش جهانی اعتراض به نسل کشی ارتش اسرائیل و حامیان مستقیم و غیرمستقیم آن در آمریکا و اروپا و خاورمیانه، بالایی ها را ناچار به باز کردن راهی برای خروج از این بن بست و منجلا ب قتل عام و دستیابی به توافقاتی کرد. توافقاتی که در سطح دیپلماتیک (با میانجیگری دولت های قطر و مصر) به یک طرح آتش بس بین حماس و اسرائیل انجامید! توافقاتی که دولت های غربی و تمام قدرت های حاکم بر جهان، بعلاوه بخش زیادی از مردم در اسرائیل، خانواده گروگانهای اسرائیلی و همچنین مردم در غزه، و خانواده هزاران فلسطینی گروگان، زندانی و اسیر در دست اسرائیل از آن استقبال کردند! دهها هزار فلسطینی امیدوار شدند که با آتش بس و پایان کشتارشان میتوانند اجساد عزیزان خود را از زیر ساختمانها و شهر و روستاهای ویران شده بیرون آورند و در جایی دفن کنند.

در حالی که درغزه، در دل مردم گرفتار در رفح کورسویی از امید به پایان یافتن حمام خونی که در شهر و منازل و جامعه شان برافراشته است روشن شده بود، در حالیکه آمریکا، زیر فشار جنبشی جهانی در دفاع از مردم فلسطین و علیه نسل کشی و حمایت های همه جانبه غرب از اسرائیل، زیر فشار جنبش دانشجویی معترض به نسل کشی ارتش اسرائیل و حمایت کامل نظامی و مالی آمریکا، به لرزه در آمده است، در شرایطی که دول غربی تحت فشار اعتراضی خود یکی پس از دیگری سیر بحران های سیاسی عمیقی را طی میکنند و در حالیکه خانواده های زیادی از گروگانهای اسرائیل در دست حماس و مردم معترض به این توحش به خیابانها آمده و خواهان پذیرش آتش بس شده بودند، روز دوشنبه، دولت فاشیست اسرائیل، به مردم غزه در رفح، به بیش از یک و نیم میلیون زندانی، زن و مرد و کودک و سالمند و معلول و بیمار و ...، این آخرین پناهگاه آنها، دستور «جابه جایی» مجدد و فرار دادند! چرا که میخواهند حمله کنند! و امروز، سه شنبه حمله خود را آغاز کرد!

نتانیا هو و کابینه جنگی آن همه راههای فرار را به روی مردم بیگناه غزه بستند. راههای ورود غذا و کمکهای جهانی را بر مردم بستند تا امکان نابودی و کشتار جمعی آنها را تماما ممکن کنند و همزمان حمله ای که حاکی از بن بست، استیصال و بی افضی فاشیسمی از پیش شکست خورده است را آغاز کردند. جانیمان و قصابانی که با سواستفاده از فجایع فاشیسم هیتلری، هفت ماه است افسار گسیخته همان جنایتی را در حق مردم فلسطین میکنند که نازی ها با یهودیان کردند! حمله به رفح استیصال جنبش ارتجاع یهودی است که امروز خون مردم بیگناه غزه و فلسطینیان را دستمایه امکان بقا خود کرده است!

حمله به رفح راه هرنوع بازگشتی به عقب و برون رفت از انزوای بین المللی صهیونیسم و فاشیسم اسرائیل علیه مردم فلسطین نزد جامعه بشری، از خاورمیانه تا آمریکا و اروپا و آفریقا، انزوا آن نزد بزرگترین حامیانش در آمریکا و اروپا، را بر روی خود بست. افسار گسیختگی دولت فاشیست اسرائیل و بی آیندگی آن، باز شدن پرونده های قطور جنایت و قصابی مردم غزه توسط ارتش لپن - فاشیست اسرائیل، سر سوزنی از نقش مخرب و شراکت مستقیم روسای دول غربی و در راس آن آمریکا در این نسل کشی و نابودی نقشه مند مردم فلسطین را کم نمیکند.

بن بست صهیونیسم در حمایت بی دریغ آمریکا و سایر دولت های غربی، بن بست همگی شان، بن بست بورژوازی و کاپیتالیسم معاصر است که جز با جنگ و کشتار و به گرسنگی و فرار و آوارگی کشاندن صدها و صدها میلیون از مردم محروم و کارکن جهان، امکان بقا ندارد! این بن بست «دمکراسی غربی»، بن بست اقتصاد و سیاست و اخلاق و ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی است که

# پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۳۰:۵ بعد  
از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال  
یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:  
Yahsat w1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

# تسخیر دانشگاه‌های آمریکا در دفاع از مردم فلسطین

جنبش اعتراضی مردم متمدن در جهان علیه نسل‌کشی اسرائیل و حمایت دولت‌های غربی، این روزها به تحرك اعتراضی وسیع و همه جانبه نسل جوان در دانشگاه‌های آمریکا انجامیده است. این تحرك انسانی ابتدا از دانشگاه کلمبیا در نیویورک شروع شد و به تدریج در سراسر آمریکا گسترش یافت. تا کنون دانشجویان در حدود چهل دانشگاه آمریکا، از جمله در دانشگاه کالیفرنیا معروف به «یو سی ال ای» دانشگاه کلمبیا، دانشگاه نیویورک، سیتی نیویورک، جورج واشنگتن - دی سی، دانشگاه هاروارد - کمبریج، ماساچوست، پرینستون، نیوجرسی، پلی، نیوجرسی، پلی تکنیک کالیفرنیا، بوستون، دانشگاه بین المللی فلوریدا- میامی، آتلانتا، جورجیا، دانشگاه نورث ایسترن، دانشگاه رایس-هیوستون، دانشگاه براون- پراویدنس، رودآیلند، میشگان، آریزونا- توسان و...، دست به تحصن، برگزاری تجمعات اعتراضی و چادر زدن در محوطه دانشگاه‌ها کرده‌اند.

دانشجویان خواهان پایان جنایت و نسل‌کشی اسرائیل در فلسطین، پایان حمایت نظامی، تسلیحاتی و سیاسی دولت آمریکا از اسرائیل و پایان روابط و قراردادهای سیاسی و مالی دانشگاه‌های آمریکا با اسرائیل اند. این حرکات اعتراضی به موجی از حمایت در میان کارکنان دانشگاه‌ها دامن زده است. گفته می‌شود طیف وسیعی از استادان دانشگاه، محققین، کارکنان اداری و... به دانشجویان پیوسته و تعرض وحشیانه پلیس، دستگیری و حمله به دانشگاه را محکوم کرده‌اند. موج وسیع اعتراضی دانشجویان در ادامه اعتراضات وسیع توده‌ای در خود آمریکا به توحش اسرائیل و حمایت دولت آمریکا و متحدین غربی او با مقابله همه جانبه پلیس و حمله به آنها طرف بوده است تا کنون صدها دانشجو به شکل وحشیانه‌ای دستگیر شده‌اند. همزمان دسته‌جات متعصب و شبه فاشیست مذهبی طرفدار اسرائیل به شکل سازمانیافته وارد دانشگاه شده و در مقابل چشم پلیس و بدون هیچ مانعی با اسلحه سرد به دانشجویان حمله کردند. رسانه‌های رسمی و ریاکار در آمریکا به موازات دولت و پلیس این کشور، حمله سازمانیافته دسته‌جات چاقوکش و شبه فاشیست ضد فلسطینی را «درگیری طرفداران فلسطین و اسرائیل» نام گذاشتند، که مورد نفرت عمیق جهانیان، دانشجویان و مردم متمدن آمریکا، قرار گرفت. دولت بایدن زیر فشار اعتراضات وسیع توده‌ای قرار دارد و موج اعتراضی در دانشگاه‌ها بیش از پیش او و دولتش را زیر منگنه قرار داده است. جنبشی که: مستقیماً هر دو مجلس و دو حزب حاکم را در جنایات و نسل‌کشی اسرائیل سهیم می‌داند، همزمان علیه میلیتاریسم آمریکا و بعلاوه علیه فقر و محرومیت و اقدامات سرکوبگرانه هیت حاکمه در آمریکا است! علیه تعرض دستک‌ها حاکمه به آزادی‌های فردی، سیاسی و اجتماعی و برای پایان دادن به نسل‌کشی از مردم فلسطین به میدان آمده‌اند. دولت بایدن، ناتوان از کنترل این جنبش اعتراضی عمیقاً نگران تأثیرات آن بر انتخابات آتی آمریکا و رویگردانی هواداران سنتی حزب دمکرات از این حزب است.

در حال حاضر موج اعتراضات دانشجویی از آمریکا فراتر رفته است و هر روز گسترده‌تر می‌شود. حمایت از دانشجویان در آمریکا، برافراشتن پرچم دفاع از مردم فلسطین و علیه حمایت دولت‌های غربی از نسل‌کشی اسرائیل و خواست تحریم اسرائیل و قطع روابط سیاسی و اقتصادی با این کشور به یک جنبش جهانی در دانشگاه‌ها تبدیل شده است. تا کنون در تعدادی از دانشگاه‌ها در انگلستان، ایرلند، کانادا، فرانسه، آلمان، استرالیا، مکزیک، لبنان، یونان، کوبا و... تجمعاتی شکل گرفته است و هر روز دانشگاه‌های بیشتری به این جنبش انسانی می‌پیوندند. اعتراضات دانشجویان در آمریکا و بقیه کشورها، گوشه‌ای مهم از جنبشی جهانی و وسیع است که بیش از ۷ ماه است به وسعت جهان علیه کشتار مردم فلسطین و علیه حمایت همه جانبه دول غربی از جنایات اسرائیل، علیه رسانه‌های آنها و بعلاوه علیه تعرض این دولت‌ها به دستاوردهای تا کنونی بشریت ادامه دارد. جنبشی که تنها حامی واقعی و قدرتمند مردم فلسطین است. جنبشی که تنها امید این مردم برای پایان جنگ و جنایت و کشتار و گرسنگی و آوارگی و... است. پیوستن به موج جدید اعتراضی در دانشگاه‌ها، حمایت از دانشجویان، تقویت این جنبش و تلاش برای پیروزی آن، برای لگام زدن به ماشین کشتار و جنایت اسرائیل، امر فوری طبقه کارگر جهانی، مردم متمدن و اتحادیه‌های کارگری، سازمان و احزاب و نهادهای انسان دوست و بشریت متمدن است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۵ مه ۲۰۲۴